



بازخوانی متنی از قرن ششم هجری در صنعت شست‌وشو و لکه‌زدایی از پارچه

امیر دهقان نژاد^۱

دانش آموخته دکتری تاریخ علم دوره اسلامی / پژوهشگر آزاد

 <https://doi.org/10.22034/ciom.2024.713662>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۷، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵

نوع مقاله: پژوهشی، صص ۷-۲۲

چکیده

صنعت نساجی و تولید پوشاک از جمله صنایعی است که نمی‌توان تاریخ پیدایش آن را به صورت دقیق تعیین کرد. برخی از منابع تاریخی، صنعت بافندگی و خیاطی را به ادریس از پیامبران متقدم نسبت می‌دهند. می‌توان گفت که بشر از ابتدای حیات، در کنار دیگر نیازهای اساسی مانند تغذیه، پوششی برای مقابله با سرما و گرما را در خود احساس کرده و به تکاپوی تهیه پارچه و پوشاک افتاده است. نگاهی به مستندات تاریخی نشان می‌دهد که صنعت نساجی در ایران نیز از سابقه طولانی برخوردار بوده و ساکنان مناطق مختلف ایران همچون دیگر سرزمین‌ها و تمدن‌ها نسبت به دارا بودن پوشش احساس نیاز کرده و در صدد تهیه و تولید آن برآمده‌اند.

به موازات جنبه‌های کاربردی، به مرور صنعت پارچه و پوشاک از جنبه‌های مختلف دیگر همچون جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، فرهنگی، هنری و جز آن اهمیت قابل ملاحظه‌ای یافته است که می‌توان در منابع و اسناد تاریخی شواهد بسیاری برای آن پیدا کرد. علیرغم جایگاه مهم پارچه و پوشاک در ادوار مختلف تاریخ ایران، کمتر به چگونگی نگهداری و شیوه‌های شست‌وشوی آن پرداخته شده است؛ اگر چه در لابه‌لای صفحات متون مختلف، نظیر متون تاریخی، علمی و پزشکی به اختصار از ویژگی پوشش‌ها و البسه و چگونگی نگهداری آن سخن رفته و از خاصیت شویندگی برخی از

مواد معدنی و گیاهی یاد شده است.

در این میان حبیب بن ابراهیم بن محمد تفلیسی دانشمند قرن ششم هجری از معدود نویسندگان ایرانی است که فصل نوزدهم از تالیف خود یعنی «رساله بیان الصناعات» را تحت عنوان «اندر شستن قصب و برداشتن نشان از جامه‌ها» به صنعت شست‌وشو و لکه‌زدایی از پارچه اختصاص داده است. در پژوهش پیش‌رو ضمن شناسایی انواع مختلف پارچه و مواد شوینده ذکر شده در رساله بیان الصناعات، شیوه‌های شست‌وشو و لکه‌زدایی بحث‌شده از سوی تفلیسی به نثر پارسی امروزی بازخوانی و توضیح داده شده است.

واژگان کلیدی: حبیب تفلیسی، رساله بیان الصناعات، پارچه، صنعت شست‌وشو، لکه‌زدایی.

مقدمه:

نساجی از جمله هنرها و صنایعی است که به صراحت نمی‌توان تاریخ پیدایش آن را تعیین کرد، چرا که بشر از ابتدای زندگانی بر روی کره زمین، بعد از هوا و آب و تغذیه نیاز به پوششی برای مقابله با سرما و گرما را در خود احساس کرده و به همین جهت نیز شاید منطقی‌ترین تصور این باشد که قبل از هر چیز به صرافت تهیه لباس افتاده است و با بهره‌گیری از حداقل امکانات موجود و به احتمال قوی با استفاده از پوست حیواناتی که شکار می‌کرده برای خود پوشش تهیه نموده و طی گذشت زمان و با تحولاتی که در زندگی‌اش پیش آمده به شیوه‌های تهیه پارچه راه پیدا کرده است و از به هم انداختن الباف گیاهی یا حیوانی کوشیده تا به تن پوش خود حالتی اطمینان‌بخش‌تر و شکیل‌تر بدهد (اکرم، ۱۳۶۱: ۵).

ابن خلدون مورخ و جامعه‌شناس مسلمان (۷۳۲-۵۸۰ ه.ق) در مقدمه خویش بر کتاب العبر آورده است که صنعت بافندگی و خیاطی از صنایع کهن بوده که روایات، آن را به ادریس از پیامبران متقدم نسبت می‌دهند. وی همچنین تفاوت‌های جغرافیایی (آب و هوا) و سبک‌های مختلف زندگی (مدنی، بادیه‌نشینی و...) را از جمله عوامل پیدایش این صنعت‌ها و تفاوت در نوع و طرح پوشش‌ها می‌داند (ابن خلدون، ۱۳۳۷: ۲/۸۲۸-۸۲۶).

در گذر زمان اهمیت تولید البسه و پارچه فزونی یافت و علاوه بر نقش حفاظتی در برابر عوامل محیطی در حوزه‌های مختلف همچون سیاست، اقتصاد، اجتماع، فرهنگ، مذهب و هنر کارکردهای قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد تا آنجا که البسه و پارچه‌های مختلف در قالب خراج و مالیات به دربار حکام ارسال می‌گشته (ثعالبی: ۱۳۶۸: ۲۲۹) و گاه به نشانه مودت و دوستی و یا مفاد عهدنامه‌ها میان دولت‌های مختلف تبادل می‌شده است. در برخی مواقع نیز پرداخت اجباری این اقلام مجوزی بود برای عبور از مرزها و ورود به سرزمین‌های دیگر (ابن فضلان: ۱۳۵۵: ۸۲-۷۱).



بازخوانی متنی از قرن
ششم هجری در صنعت
شست‌وشو و لکه‌زدایی
از پارچه



در تاریخ ایران نیز صنعت تولید البسه و پارچه همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و در منابع و مستندات تاریخی می‌توان شواهد بسیاری برای کارکردهای یاد شده یافت. علیرغم جایگاه ویژه صنعت تولید پوشاک و پارچه در حیات اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران و توجه مورخان، جغرافی‌نویسان و سیاحان بدین صنعت و ذکر ابعاد مختلف آن در تألیفات خویش، یکی از مباحثی که در ادوار مختلف تاریخ اسلام و ایران کمتر بدان پرداخته شده، چگونگی نگهداری از پارچه‌ها و پوشاک‌های مختلف، لکه‌زدایی از آن‌ها و صنعت شست‌وشو است و کمتر اثری یافت می‌شود که به صورت اختصاصی بدین موضوع پرداخته باشد.

ابوالفضل حُبیش بن ابراهیم تفلیسی از دانشمندان جامع العلوم قرن ششم هجری از معدود نویسندگانی است که به زبان پارسی در باب نوزدهم از رساله «بیان الصناعات» و ذیل عنوان «اندر شستن قصب و برداشتن نشان از جامه‌ها» به صورت اختصاصی صنعت شست‌وشو و لکه‌زدایی از انواع پارچه و پوشاک را مورد بحث قرار داده است. از همین رو مطالعه و بررسی باب یاد شده می‌تواند در روشن کردن گوشه‌ای از تاریخ صنعت پارچه و پوشاک در ایران، از اهمیت بالایی برخوردار باشد. در پژوهش پیش‌رو ضمن معرفی رساله بیان الصناعات و مؤلف آن، انواع مواد شوینده، پارچه‌ها و پوشاک یاد شده در رساله، شناسایی و چگونگی ترکیب مواد شوینده و روش‌های شست‌وشو و لکه‌زدایی مطرح شده، تشریح و با حفظ اصالت متن به زبان پارسی امروزی درآمده است.

اشارات متون علمی-تاریخی در باب شست‌وشوی پارچه و البسه

اطلاعات پراکنده درباره مواد شوینده و چگونگی شست‌وشو و نگهداری پارچه و البسه را می‌توان در خلال تألیفات مختلف نظیر دانشنامه‌ها، کتاب‌های مربوط به عطریات، گوهرشناسی، پزشکی، حسبه‌نگاری‌ها^۱ و جز آن یافت. در کتاب طبّی «فردوس الحکمه فی الطب» از علی بن سهل بن ربن طبری، پزشک ایرانی (متوفی ۲۴۷ ق) به صورت اجمالی به چگونگی پاک کردن برخی مواد نظیر جوهر، خون، قیر، روغن و رنگ از لباس‌ها و از بین بردن جوهر و مرکب از مکتوبات اشاره شده است (طبری، ۱۴۲۳: ۳۶۸-۳۶۷).

ابوجعفر احمد بن الجزار (متوفی ۳۶۹ ق) پزشک صاحب‌نام قیروانی در تألیف خود، کتاب «فی فنون الطیب و العطر» برخی مواد شوینده را معرفی می‌کند و در مدخلی با عنوان «باب ذکر طیب الثیاب» به شیوه‌های خوشبو کردن البسه در فصول مختلف و چگونگی پوشش بیماران بر اساس شرایطشان می‌پردازد (ابن الجزار، ۲۰۰۷: ۱۲۰-۱۱۲).

ابی عبدالله محمد بن احمد بن سعید التمیمی پزشک و داروشناس سرشناس سده چهارم هجری (متوفی ۳۹۰ ق) در کتاب «طیب العروس و ریحان النفوس فی صناعه العطور» در فصلی با عنوان «ذکر

۱. نوشته‌هایی که در آن به تبیین جایگاه و وظایف محتسب از منظر فقهی، حقوقی و اداری پرداخته شده است.



تکتیب الثیاب» شیوه‌های مختلف کتابت و طراحی نقوش روی انواع پارچه و لباس را با مواد خوشبو و معطر شرح داده است (ابن سعید تمیمی، ۱۴۳۵: ۲۴۲-۲۳۶). سید اسماعیل جرجانی (۵۳۱-۴۳۴ ق) دیگر پزشک صاحب‌نام ایرانی معاصر با خوارزمشاهیان در کتاب مشهور خود «ذخیره خوارزمشاهی» در گفتاری تحت عنوان «اندر تدبیر کسوت» از نظر پزشکی به برشمردن ویژگی‌های جامه‌های دوخته‌شده از پارچه‌ها و پوستین‌های مختلف همچون خز^۱، قَرز^۲، کتان، توری، کرباس، مرغزی^۳، پوست سمور، پوست روباه، پوست بره، فَنک^۴، حواصل^۵، خرگوش، سنجاب و قاقم^۶ می‌پردازد (جرجانی، ۱۳۸۲: ۱۱۹).

در برخی حسیه‌نگاری‌ها و آثار مشابه نظیر کتاب «فی آداب الحسبه» از محمد بن ابی محمد سقطی (متوفی حدود ۵۰۰ ق)، «کتاب نهاییه الرتبه فی طلب الحسبه» از محمد بن احمد بن بسام (قرن ۸ ق) و کتاب «بذل النصائح الشرعیه فیما علی السلطان و ولایه الامور و سائر الرعیه» تألیف محب‌الدین ابی حامد محمد بن احمد المقدسی الشافعی (۸۹۶-۸۰۷ ق) نیز اشاراتی به حرفه جامه‌شویی و وظایف جامه‌شوی شده است. نظیر اینکه جامه‌شوی نباید بیش از اندازه از برخی مواد نظیر آهک برای شست‌وشوی لباس استفاده کند یا پارچه را بیش از حد معمول فشار دهد و با شدت به سنگ بکوبند، چرا که همه این موارد باعث کاهش عمر پارچه یا لباس می‌شود (سقطی، ۱۹۳۱: ۶۳؛ ابن بسام، بی‌تا: ۳۲۷؛ شمیری، ۱۴۱۶: ۳۰۴-۳۰۳).

علاوه بر متون متفرقه که ذکر برخی از آن‌ها رفت، تألیفات معدودی نیز درباره رفع آلودگی از لباس و پارچه‌ها برجای مانده که غالباً به زبان عربی نوشته شده است. یعقوب بن اسحاق کندی (متوفی ۲۶۰ ق) در رساله مختصری با عنوان «رساله فی قلع الآثار من الثیاب و غیرها» به چگونگی زدودن آلودگی‌هایی نظیر جوهر، مداد، نوشته، زعفران و رنگ از لباس‌ها و معرفی مواد مورد نیاز برای این منظور پرداخته است (کندی، ۱۴۰۶: ۱۱۲-۸۳). این اثر به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع حوزه یاد شده مورد استفاده نویسندگان بعد از کندی قرار گرفته است.

فخرالدین رازی دانشمند، فیلسوف و متکلم برجسته عصر خوارزمشاهی (۶۰۶-۵۴۳ ق) در باب سی و پنج از دانشنامه پرسی‌نگاشت خود یعنی کتاب «جامع العلوم» تحت عنوان «علم قلع الآثار»^۷ ضمن اشاره به رساله کندی به اختصار در نه اصل به بیان چگونگی رفع آلودگی‌های ایجاد شده به‌وسیله موم، زعفران، آب انار، خون و روغن از لباس‌ها می‌پردازد (رازی، ۱۳۸۲: ۳۳۹-۳۳۷). این اثر با توجه

۱. خز به پوست مودار تعدادی از پستانداران مانند سمور، خرگوش، روباه و جز آن گفته می‌شود.

۲. ابریشم خام.

۳. مروی، منسوب به مرو.

۴. پستانداری گوشت‌خوار و کوچک‌تر از روباه با گوش‌های دراز و پوست قرمز که از آن برای دوختن لباس استفاده می‌شود.

۵. مرغی شبیه به لک‌لک که اکثر بر کناره آب‌ها نشیند و چون حوصله نهایت کلان دارد، بر واحد اطلاق آن جمع کرده‌اند، چه در حقیقت حواصل جمع حوصله است. (لغتنامه دهخدا)

۶. حیوانی کوچک نظیر سمور با پوستی ملایم که از آن پوستین می‌سازند.

۷. رازی در تعریف علم قلع الآثار آورده است: «یعنی اگر جامه به چیزی آلوده گردد، آلایش را چگونه باید بردن» (رازی، ۱۳۸۲: ۳۳۷).

به تاریخ نگارش و دوران حیات رازی به احتمال فراوان بعد از تألیف تفلیسی به نگارش درآمده است. باب نهم از کتاب «المخترع فی فنون من الصنع» منسوب به ملک المظفر یوسف الرسولی (متوفی ۶۹۴ ق) نیز به رفع آلودگی روغن، جوهر، میوه، چربی، رنگ و سیاهی از لباس و دیگر پارچه‌ها اختصاص یافته است.

«فوائد فی قلع الآثار من الثیاب» رساله بسیار مختصری است از مؤلفی ناشناس که از چگونگی رفع آثار مرکب، نطفه، خون و برخی میوه‌ها از لباس سخن رانده است و تاریخ کتابت آن به سال ۷۵۷ ق باز می‌گردد. (کندی، ۱۴۰۶: ۱۱۲-۸۳). عمادالدین شیرازی پزشک عصر صفوی نیز در رساله‌ای پارسی‌نگاشت با عنوان «قلع الآثار» در ۵۳ باب به چگونگی زدودن آلودگی‌های مختلف از لباس، کاغذ، کتاب، دست و جز آن پرداخته است. وی در دیباچه رساله ضمن برشمردن برخی از منابع مورد استفاده خود نظیر رساله کندی، «تذکره حمیده و فصول مفیده»^۱ ابن‌سویدی، کتاب «خواص الاشیاء»^۲ و کتاب فلاحت رومی^۳ اشاره می‌کند که تمامی مطالب رساله‌اش برگرفته از اقوال نویسندگان پیشین است و کار خود را ترتیب‌دهنده و تذهیب‌کننده اطلاعات آثار یاد شده معرفی می‌کند (عمادالدین شیرازی، نسخه خطی: ۳۹-۲).

مؤلف رساله بیان الصناعات

ابوالفضل حبیش بن ابراهیم تفلیسی از دانشمندان جامع العلوم قرن ششم هجری بوده است که در علوم دینی، صرف و نحو، لغت، نجوم، تعبیر خواب و طب دارای تألیفات نسبتاً متعددی به دو زبان پارسی و عربی است که از این میان می‌توان به کتبی همچون تخلص علل قرآن، القوافی، المدخل الی علم النجوم، بیان النجوم، کامل التعبير، قانون اللباب، رسائل نه‌گانه پزشکی، مختصر فی الصناعة الطب، نظم السلوک، صحة الابدان، بیان الطب، کفایه الطب، تقویم الادویه و جز آن اشاره کرد.

شرح احوال و زندگی تفلیسی روشن نیست و در کمتر نوشتاری از وی نام برده شده و اطلاعاتی که از وی موجود است برگرفته از آثارش است. در باب دوران زندگی وی آنچه مسلم می‌نماید این است که با قلج ارسلان بن مسعود از سلاجقه روم که در سال ۵۵۱ هـ به سلطنت رسیده و در سال ۵۵۸ هـ وفات یافته، همزمان بوده و برخی از آثار خویش از جمله کتاب کامل التعبير و قانون الادب را برای او تألیف کرده است.

۱. عنوان اصلی کتاب «التذکره المفیده و الذخیره الحمیده» یا «التذکره المفردة»، تألیف ابواسحاق عزالدین ابراهیم بن محمد بن طرخان انصاری (۶۹۰-۶۰۰ ق)، معروف به ابن سویدی طبیب و شاعر دمشق است که حاوی شرح خواص انواع داروها می‌باشد (ابن‌سویدی، خطی، ۱-۱۸۸).
 ۲. خواص الاشیاء نگاشته‌ای به زبان یونانی از نویسندگانی ناشناس با نام حکیم ابوعلی که تنها نامی از او ذکر شده است. در این رساله که به‌دست محمد بن زکریا به پارسی ترجمه شده خواص دارویی مواد مختلف و شیوه ساخت داروهای ترکیبی ذکر شده است (حکیم ابوعلی، ۲۰-۱۳۸۸: ۱۲۸). در اینکه مترجم کتاب همان محمد بن زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ ق) مشهور است، اختلاف نظر وجود دارد.
 ۳. احتمالاً منظور ابوالعباس احمد بن محمد بن مقرج (۶۳۷-۵۳۱ ق) معروف به ابن رومیه گیاه‌شناس و داروشناس سرشناس اندلسی است. او گیاهان بسیاری را در شمال آفریقا به خصوص در مغرب و نیز در نواحی دیگر مانند مصر و حجاز کشف و نام و خواص آنها را در بزرگ‌ترین اثر خود «الرحله النباتیه» جمع آوری کرد.



درباره تاریخ وفات تفلیسی همانند تولدش اختلاف نظر وجود دارد. حاجی خلیفه ذیل «کامل التعبير» سال مرگ حبیش را ۶۲۹ق نوشته است. دهخدا سال وفات وی را ۶۲۵ق ذکر نموده که در مورد صحت آن تردید وجود دارد، چراکه اگر زمان تولد او را حدود سی سال قبل از تألیف قانون الادب یعنی سال ۵۱۵ق بدانیم در این صورت در هنگام مرگ سنی قریب به ۱۱۵ سال داشته و شاید به همین ملاحظات و حساب‌هاست که بروکلمن زمان وفات وی را در حدود سال ۶۰۰ق ذکر می‌کند (تفلیسی، ۱۳۳۶: ۲۸۰).

رسالة بیان الصناعات:

«بیان الصناعات» رساله‌ای چنددانشی در علوم و صنایع مختلف است که در بیست باب تدوین شده و هر باب آن به یک علم و یا صنعت پرداخته است. حبیش از رسالة بیان الصناعات در مقدمه کتاب بیان الطب نام می‌برد. حاجی خلیفه در کتاب کشف الظنون از این اثر نام برده و اشاره می‌کند که به زبان ترکی ترجمه شده است (تفلیسی، ۱۳۳۶: ۲۸۳).

تفلیسی در مقدمه بیان الصناعات آورده است که این کتاب را بعد از اتمام نگارش کتاب «بیان النجوم» تألیف کرده است و قصد خود را آشکار کردن اسرار علوم و صنایع مختلف می‌داند که استادان پیشین این اسرار را در کتب خود پوشیده بودند. وی ادامه می‌دهد که نام کتاب را از آن جهت بیان الصناعات نهاده که علم و دانش مورد نیاز در هر صنعتی را در ابواب مربوطه به صورت مختصر، مفید و قابل فهم بیان کرده است.

تفلیسی تأکید می‌کند که بسیاری از مطالب کتاب را به صورت عملی مورد آزمایش قرار نداده است، ولی سعی کرده مطالبی را در کتاب ذکر کند که به عقل و دانش نزدیک باشد. مؤلف در نهایت مقصود خود را از نگارش کتاب کسب دعای خیر خوانندگان کتاب و به یادگار ماندن آن در ادوار بعد عنوان می‌کند. ابواب کتاب بیان الصناعات عبارت‌اند از:

۱. باب نخستین: اندر صناعت علم کیمیا.
۲. باب دوم: اندر صناعت جوهرها.
۳. باب سیوم: اندر رنگ کردن جوهرها.
۴. باب چهارم: اندر رنگ کردن بلورها و مینا.
۵. باب پنجم: اندر رنگ کردن آبگینه از هر نوعی.
۶. باب ششم: اندر آب دادن گوهرها.
۷. باب هفتم: اندر آب دادن تیغ‌ها و آلات سلاح.
۸. باب هشتم: اندر صنایع‌های گوناگون.
۹. باب نهم: اندر آمیختن رنگ‌ها.



بازخوانی متنی از قرن
ششم هجری در صنعت
شست‌وشو و لکه‌زدایی
از پارچه



۱۰. باب دهم: اندر آمیختن خبر و مداد.

۱۱. باب یازدهم: اندر نیشته‌ها بردن از کاغذ و پدید آوردن از هر گونه.

۱۲. باب دوازدهم: اندر خاصیت حیوانات از هر گونه.

۱۳. باب سیزدهم: اندر چیزها که در آن دفع حیوانات باشد و غیره شود.

۱۴. باب چهاردهم: اندر خواص جوهرها و میوه‌ها و نبات‌ها از هر گونه.

۱۵. باب پانزدهم: اندر استعمال آب‌ها از هر گونه.

۱۶. باب شانزدهم: اندر استعمال آتش و علم‌های چراغ.

۱۷. باب هفدهم: اندر علم‌های شراب و لعب‌های آن.

۱۸. باب هژدهم: اندر علم‌های مختلف از هر گونه.

۱۹. باب نوزدهم: اندر شستن قصب و برداشتن نشان از جامه‌ها.

۲۰. باب بیستم: اندر پیدا کردن اسرار جماع و آبستنی.

بازخوانی باب نوزدهم:

باب نوزدهم اندر شستن قَصَب^۱ و برداشتن نشان از جامه‌ها (شکل ۱)

شستن قَصَب: برای شستن قصب باید گل نیشابوری^۲، اشنان^۳ سفید و صابون ناردانی^۴ را تهیه و همگی را خیسانده و بعد از پالیدن، آب آن را با شیر زن ترکیب نموده و قصب را درون آن قرار داده و در ظرفی سربسته هم زده شود. این کار باعث پاکیزگی و سفیدی پارچه خواهد شد. سپس پارچه باید درون ظرفی حاوی آب صمغ^۵ قرار داده شود (تفلیسی، ۱۳۳۶: ۴۲۱).

شستن دیبای: برای شستن دیبا به میزان ده ستیر^۶ گل ارمنی^۷ و پنج ستیر اشنان سفید را با آب خیسانده و پس از پالایش با زهره^۸ گاو و زهره^۹ گوسفند ترکیب کرده و پارچه دیبا را در آن شسته و بدین ترتیب تمامی لکه‌های موجود در آن از بین می‌رود (همانجا).

شستن خَز: برای شستن خز باید آب تخم کتان یا آب باجه^{۱۰} را با آب کتیرا ترکیب کرد و خز را با آن شست و هنگامی خشک شد بر روی آن آب ریخت و در نهایت آن را در زیر تنگی قرار داد تا فرو

۱. یک نوع پارچه ظریف که از کتان می‌یافته‌اند.

۲. گلی خوردنی (طین الاکل) خاص نیشابور که خاصیت درمانی داشته است و به رسم تحفه به پادشاهان بزرگ تقدیم می‌داشته‌اند. محمد بن زکریای رازی در کتابی تحت عنوان «فی ان اللطین المنتقل به منافع»، فواید و منافع این گل را بیان کرده است.

۳. گیاهی از خانواده اسفناج با شاخه‌های باریک، برگ‌های ریز و طعم شور که معمولاً در شوره‌زارها می‌روید.

۴. دانه‌های انار خشک.

۵. ماده‌ای است لزج که از بعضی درختان حاصل می‌شود. به هندی گوند می‌گویند. به پارسی ژد می‌نامند. صمغ تراوش شده از درخت بادام کوهی را صمغ پارسی می‌نامند.

۶. نوعی از جامه ابریشمی و منقوش است.

۷. وزنی معادل شش درم و نیم که برابر با چهار مثقال و نیم است.

۸. گلی خشک که رنگ آن به زردی می‌زند، به آسانی خرد می‌شود و آن را گل رومی یا گل قبرسی نیز می‌گویند.

۹. صفرا، کیسه صفرا. به عربی مراره می‌گویند.

۱۰. احتمالاً اصل واژه آب پایچه بوده است. تفلیسی در کتاب تقویم‌الادویه از پایچه به عنوان یکی از مواد دارویی یاد می‌کند. پایچه یا کراع به معنی پاچه است.

نشینند(همانجا).

سفید کردن جامه‌های رنگین: برای این منظور سماروغ^۱ و بوره^۲ و نمک را تهیه و جملگی را در آب گرم فرو برده و جامه رنگین را در ترکیب یاد شده قرار داده تا سفید شود و لکه‌های روی آن از بین برود. اسحاق کندی (۱۸۵-۲۵۲ ق) می‌گوید اگر لباسی به رنگی آلوده شود و مردم ندانند که آن چه رنگ است، اناردان^۳ را با آب اشنان بجوشانند و محل آلودگی را با مواد یاد شده به خوبی شسته و بعد از آن یک بار دیگر با آب گرم و صابون شسته تا کاملاً پاک شود(همان: ۴۲۲).

سیاهی بردن از جامه: برای رفع سیاهی باید سرگین^۴ کبوتر را در آب بجوشانند و سپس با آن جامه را به خوبی بشویند تا پاک شود و یا اینکه لکه سیاه ابتدا به صورت کامل به روغن زیت^۵ آغشته شود و پس از آن به خوبی با صابون شسته شود تا پاک شود(همانجا).

و اگر تَرَف^۶ با سرکه ترش خوب ساییده شود و بعد آن را به جامه بمالند و پس از گذشت زمانی آن را با صابون بشویند و چندین بار این عمل را تکرار کنند، سیاهی از جامه پاک می‌شود(همانجا).
همچنین اگر ترشه‌ترنج را با سرکه کهنه بر جامه بمالند و سپس جلوی آفتاب قرار دهند و بعد از مدتی با صابون بشویند، سیاهی روی جامه را از بین می‌برد(همانجا).

حبر بردن از جامه: برای این منظور اشنان را با آب می‌جوشانند و بعد از آن با آب گرم به سیاهی جامه می‌مالند تا پاک شود و اگر سرکه را بجوشانند و یک کف دست اشنان را در آن بریزند و بعد آن را خوب به جامه بمالند و دوباره اندکی اشنان بر روی جامه بریزند و با دست بمالند و در نهایت جامه را با صابون بشویند، سپید و پاکیزه می‌شود(همانجا).

همچنین اگر کسی کنجد و سَعْتَر^۸ را بخوبی بخاید^۹ و بر موضع آغشته به حبر بمالد و پس از آن جامه را با صابون بشوید، پاک می‌شود(همانجا).

مداد بردن از جامه: برای زدودن مداد از جامه صمغ عربی^{۱۱} را با آب خیس می‌کنند و جامه را با آن می‌شویند و سپس با صابون و آب گرم شست‌وشو صورت می‌گیرد تا پاکیزه شود یا اینکه سرکه و اناردان و اشنان را با همدیگر بجوشانند و سپس قسمت سیاه جامه را با آن بشویند و پس از آن با آب گرم و صابون بشویند تا پاکیزه شود(همانجا).



بازخوانی متنی از قرن
ششم هجری در صنعت
شست‌وشو و لکه‌زدایی
از پارچه

۱. قارچ گیاهی.

۲. ماده‌ای است مانند نمک و آن را زرگران به کار می‌برند. نمک تلخ‌مزه، به هندی سپاگا گویند و از آب دریاچه‌های آسیا و چین و تبت و هندوستان به دست می‌آید. نمک ایرانی نیز نامیده می‌شود.

۳. دانه‌های انار خشک.

۴. مدفوع

۵. روغن زیتون

۶. کشک سیاه را می‌گویند و آن را به عربی مصل و به ترکی قراقروت می‌خوانند.

۷. جوهر، مرکب.

۸. مزه گیاهی است بیابانی خوشبو با برگ‌های ریز و گل‌های کبود که طعم تند دارد، خوردنی است و در طب هم به کار می‌رود.

۹. نرم کردن

۱۰. سیاهی دوات، هر ماده‌ای که با آن کتابت می‌کنند؛ دوده مرکب.

۱۱. صمغ عربی صمغ درخت طلع است؛ رنگ آن به رنگ اغلب صمغ‌های معمولی زرد مایل به قرمز است..



پاک کردن چرک جامه بدون استفاده از آب: اگر کسی بخواهد بدون شستن چرک جامه را از بین ببرد باید استخوان سوخته را بکوبد تا کاملاً خرد شود و سپس آن را در تنکیره^۱ گرم کند و روی موضع چرک شده بپاشد و سنگ صاف و همواری را روی آن قرار دهد تا چرک را از جامه ببرد و اگر چرک کاملاً بر طرف نشده باشد، بار دیگر همین کار را باید انجام داد تا چرک کاملاً رفع شود (همان: ۴۲۳).
نیل^۲ بردن از جامه: برای این منظور سرگین کبوتر را باید جوشاند و موضع آلوده جامه را به آن آغشته کرده و سپس با صابون و آب گرم شسته تا پاک شود (همانجا).

قیر^۳ بردن از جامه: برای پاک کردن قیر، روغن زیت را می جوشانند و جامه را در آن فرو می برند و سپس به خوبی با صابون می شویند تا پاک شود. (همانجا).
انقاس^۴ بردن از جامه: برای از بین بردن انقاس میانه نان گندم را به آن می مالند و سپس با آب گرم آن را می شویند یا اینکه حریره^۵ گرم در آن می مالند و با آب گرم می شویند تا پاکیزه شود. (همانجا).

قطران^۶ بردن از جامه: برای پاکیزه کردن قطران از جامه باید شیر تازه را خوب گرم کنند و جامه را در آن فرو برند و سپس با دست خوب چنگ زنند و بعد از آن با صابون و آب گرم بشویند تا پاکیزه شود (همانجا).

نفت^۷ بردن از جامه: برای از بین بردن نفت زهره گوسفند تازه ذبح شده را بر روی موضع مورد نظر می مالند و سپس با صابون می شویند تا سفید شود (همانجا).

غالبه^۸ بردن از جامه: موضعی از پارچه که به غالبه آغشته شده است را باید با روغن کنجد خیس نمود و سپس آن را با صابون شست. همچنین اگر ارده^۹ کنجد را بر آن موضع بمالند و با آبی که در آن سرگین جوشیده شده است بشویند، پاک می شود (همانجا).

موم بردن از جامه: برای این منظور باید یخ را بر جامه مالید و بعد از آن پارچه را در روغن گرم قرار داده و به آب تاختن^{۱۰} آن را به خوبی شست و شو داد تا پاک شود و شخص اگر بخواهد می تواند آهنی ساده را گرم کند و کاغذی را بر روی موم قرار دهد و آهن گرم را بالای آن کاغذ بگذارد. این عمل برای پاک کردن موم از جامه بسیار مفید خواهد بود.

همچنین اگر جامه را با دوغ ترش مالیده شود و پس از آن آرد جو بر آن بپاشند و در نهایت با

۱. دیگ و دیگ مسین.

۲. گیاهی است که عصاره آن را نیله و نیلج می گویند و با آن رنگ می کنند. آن را رسمه و رنگ می گویند و به تازی کتم و سدوس نیز نامیده می شود. ماده ملونه ای که از برگ این گیاه به دست می آورند در رنگرزی به کار گرفته می شود.

۳. جسم جامد غیرمتبلور سیاه رنگی که سطح شکستگی آن مانند شیشه ناصاف است و در اماکن نفتی قدیمی یافت می شود.

۴. جمع نقس. سیاهی های دوات. سیاهی های نوشتن مدادها، حبرها، سیاهی ها و دوده ها.

۵. در قدیم طعامی بوده است رقیق از آرد و روغن. خوراکی رقیق از آرد برنج، شکر و مغز بادام. معمولاً به کودکان شیرخوار و بیماران خورانده می شده است.

۶. ماده روغنی شکل و سیاه رنگ که از برخی درختان مانند صنوبر، عرعر، و امثال آن می چکد.

۷. معرب نفت است. مایع قابل احتراق معدنی.

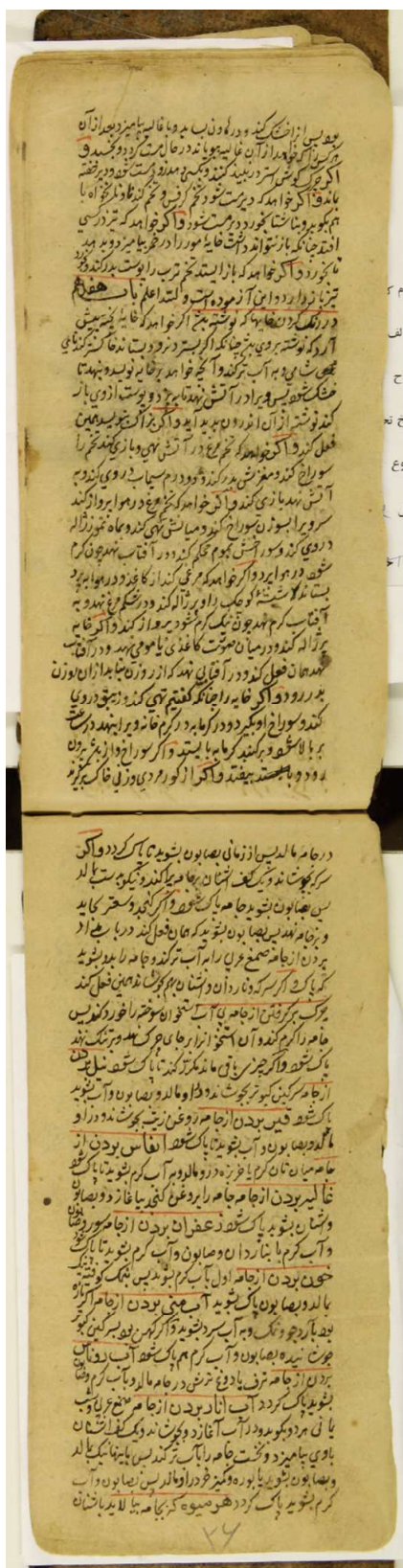
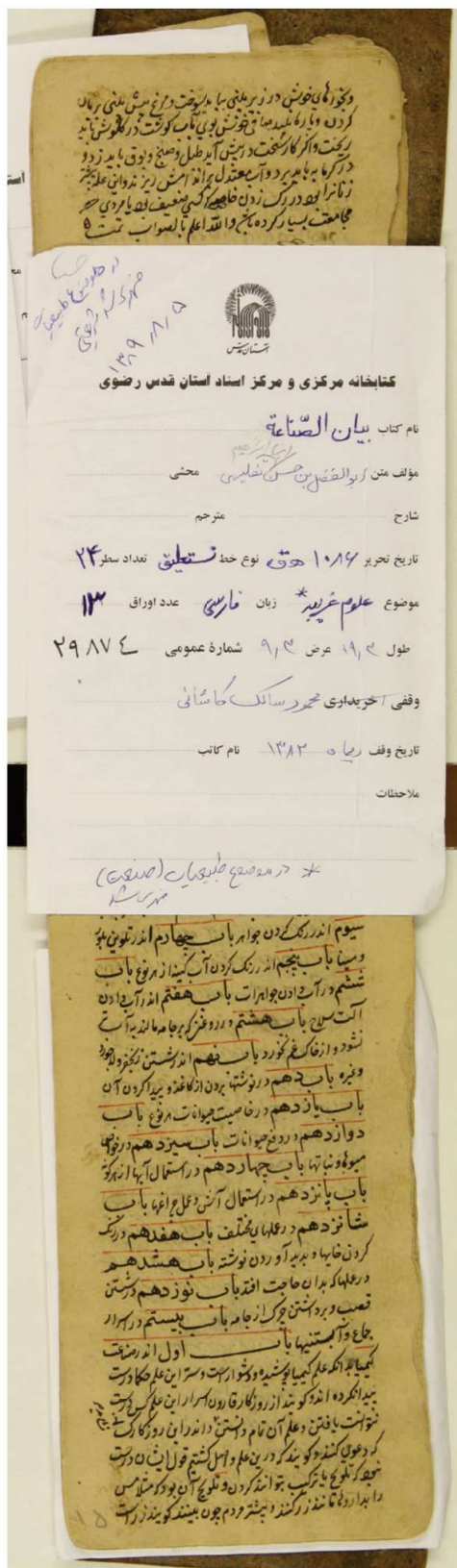
۸. ترکیبی خوشبو از مشک و عنبر و جز آن، سیاه رنگ است و مو را با آن خضاب می کنند.

۹. ادرار



بازخوانی متنی از قرن
ششم هجری در صنعت
شستشو و لکه‌زدایی
از پارچه

شکل ۱. دیباچه و صفحاتی از باب نوزدهم کتاب بیان الصناعات (مأخذ: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی).



صابون شسته شود، موم از جامه جدا خواهد شد (همان: ۴۲۴).

زعفران بردن از جامه: برای از بین بردن زعفران، شخص باید با بوره^۱ ارمنی و صابون و آب گرم جامه را بشوید یا اینکه با استفاده از ناردان ترش و اشنان و آب گرم این کار را انجام دهد یا اینکه ابتدا جامه را با آب گرم بشوید و سپس بوره کوبیده شده را در آن بمالد و در نهایت در زیر جامه گوگرد دود کند تا پاک شود (همانجا).

مُعَصَّر^۱ بردن از جامه: برای پاک کردن معصفر، اشنان و مقدار کمی میان خرد^۲ را به هم آمیخته می کنند و با آب اناردان موضع را می شویند و پس از آن اشنان بر آن می مالند و با آب گرم و صابون می شویند (همانجا).

آب هلیله^۳ بردن از جامه: اشنان و اناردان و سرکه کهنه را با هم می جوشانند و سپس جامه را با ترکیب یاد شده می شویند و سپس زیر آن گوگرد دود می کنند و در نهایت با آب گرم می شویند (همانجا).

منی بردن از جامه: اگر منی تازه باشد باید با آرد جو و آب سرد جامه آلوده را نمناک کنند و سپس نمک بر روی آن بپاشند و مدت زمانی جامه را در این حالت رها کنند و بعد از آن با صابون بشویند تا پاک شود و همچنین اگر سیر یا پیاز را بکوبند و آب آن را بگیرند و با مقداری نمک کوبیده شده مخلوط کنند و جامه را با این مواد، خوب آغشته کنند و در نهایت با صابون بشویند، پاک خواهد شد (همان: ۴۲۵).

بردن خون از جامه: برای این منظور ابتدا باید جامه را با آب شست و سپس موضع آلوده به خون را با نمک کوبیده شده به خوبی مالش داد و در نهایت با صابون شست تا پاکیزه شود. (همانجا)

بردن آب روغناس^۴ از جامه: برای زدودن آب روغناس از جامه، ابتدا با استفاده از ترف و دوغ ترش جامه را خوب مالش می دهند و پس از آن با آب گرم و صابون شست و شو داده یا آنکه با ترشه ترنج و سرکه کهنه آن را خیس می کنند و بعد از آن با صابون می شویند.

اگر چیزی بر روی جامه ای ریخته شود که خشک نشود و از جامه نرود باید آب لیمو بر آن بمالند و سپس آن را با دهان بمکند و به حال خود رها کنند تا خشک شود. پس از آن جامه را به سرکه و اشنان بمالند و با صابون بشویند و اگر همچنان تری باقی بماند و خشک نشود، ابتدا با آهک آن را بمالند و با صابون بشویند و سپس آن را جلوی آفتاب پهن کنند و مدام بر روی آن آب بریزند و این کار را چندین بار تکرار کنند تا سفید و پاکیزه شود (همانجا).



۱. چیزی که به گل کاجیره آن را رنگ کرده باشند. عُصْفَر گل کاجیره است. رنگ کرده به عصفر یا کاژیره (گل کافشه).

۲. احتمالاً میان خزد صحیح است. تقلیسی در تقویم الادویه از میان خزد به عنوان ماده ای دارویی یاد می کند. به پارسی خزدو می گویند. جند بیدستر. بیضه سگ آبی

۳. اهلیج. هلیج. از درختان نواحی حاره است که میوه اش مصرف دارویی دارد و آن چند نوع است: هلیله بزرگ که به آن کابلی می گویند، هلیله زرد و بلبله.

۴. روناس. رُئاس. روین. عروق حمز. گیاهی است از تیره روناسیان بسیار شبیه به شیر پنیر، دارای برگ های نوک تیز و گل های کوچک و زرد، ارتفاع آن به دو متر می رسد و از ریشه آن ماده قرمز رنگی به دست می آید که در رنگرزی به کار می رود.



چربی‌ها بردن از جامه: برای از بین بردن چربی از جامه با آب گرم و خطمی^۱ و اشان آن را می‌شویند (همانجا).

اگر جامه با روغن گوز^۲ آغشته باشد، ابتدا با روغن کنجد آن را چرب می‌کنند و پس از آن با آب نخود و آرد جو آن را می‌مالند و می‌شویند و اگر به روغن ماهی آغشته شود با کتیرا^۳ و صمغ عربی آن را می‌شویند. اگر جامه به روغن کنجد آغشته شود، ابتدا با دوشاب^۴ آن را می‌مالند و سپس با آب باقلی می‌شویند (همان: ۴۲۶).

اگر جامه رنگین به چربی آغشته شود ابتدا آن را با آب خاکستر^۵ و پس از آن با آب صافی^۶ می‌شویند و در سایه قرار می‌دهند تا خشک شود یا شب^۷ و گل نیشابوری را با سرکه خیس می‌کنند و بر روی جامه می‌مالند و روز بعد با صابون شست‌وشو می‌دهند.

اگر جامه به روغن تخم کتان آغشته شود، باید سبوس را با آب جوشانید و بر جامه مالید و سپس در زیر آن گوگرد دود کرد (همانجا).

اگر جامه به روغن گاو^۸ آغشته شود گل سر^۹ را با شیرترش^{۱۰} خیس می‌کنند و به جامه می‌مالند و سپس با آب گرم و صابون می‌شویند (همانجا).

اگر جامه‌ای از جنس کتان به چربی آغشته شود با دُر دی^{۱۱} سرکه آن را اندود می‌کنند و پس از آن با صابون می‌شویند یا آنکه ترشه ترنج بر روی آن می‌مالند (همانجا).

اگر جامه ابریشمین به روغن آغشته شود، چند بار زهره گوسفند را بر آن می‌مالند و هر بار در آفتاب قرار می‌دهند تا خشک شود و بعد آهگ و سرگین جوشانده شده کبوتر بر روی آن می‌مالند و در نهایت با آب می‌شویند (همانجا).

چربی بردن از کاغذ: اگر روغن بر کاغذ بیافتد نمک سوده^{۱۲} را بر روی آن می‌پاشند و سنگ سنگینی روی کاغذ قرار می‌دهند. اگر بزر^{۱۳} چراغ یا روغن کنجد بر کاغذ یا کتاب نوشته بیفتد، گل

۱. گیاهی از تیره پنیرکیان، دارای ساقه ضخیم و بلند، برگ‌هایش پهن و ستبر و ریشه‌اش دراز و دوکی شکل و آبدار است. ریشه آن در پزشکی مصرف فراوان دارد.
۲. گردکان را می‌گویند و معرب آن جوز است؛ گردو.

۳. صمغی است در مغز ساقه گون که چون در اواخر بهار آن را می‌برند با فشار از ساقه بیرون می‌آید. این ماده بیشتر در نساجی و پارچه‌بافی و کاغذسازی و ساختن چسب به کار می‌رود.

۴. شیره انگور و بعضی گفته‌اند که شیره انگوری است که آن را یک‌دو روز نگه می‌دارند تا ترش شود و به همین سبب آن را دوشاب می‌گویند که آب انگور است و شب بر آن گذشته است.

۵. ترکیبی از آب و خاکستر.

۶. پاکیزه، خالص.

۷. ماده‌ای معدنی است شبیه به نمک و نوشادر که از نظر شکل و مزه و رنگ دارای شانزده گونه است و بهترین آن شفاف سفید و سخت است که آن را یمانی می‌خوانند.

۸. روغن حیوانی تهیه شده از شیر گاو.

۹. قسمی از خاک‌های معدنی که با آن تن و سر را می‌شویند و آن را گل جعدسا نیز می‌گویند.

۱۰. شیری که طعم آن به علت تخمیر یا تجزیه شدن چربی تند شده باشد.

۱۱. ته‌نشین عصارات و به پارسی لای نامیده می‌شود.

۱۲. مورد اخیر خارج از بحث مقاله است اما به جهت حفظ اصالت متن ذکر شده است.

۱۳. نرم‌شده، ساییده‌شده.

۱۴. روغن



سپاهانی را باید به خوبی سایید تا کاملاً خرد شود و سپس بر روی کاغذ پاشید و شیء سنگینی بر روی آن قرار داد تا چربی را از کاغذ بیرون بکشد. این روش هیچ زیانی به نوشته وارد نمی‌سازد. همچنین اگر استخوان سوخته را خرد کرده، اندکی گرم کنند و بر روی کاغذ بپاشند و سپس سنگ سنگینی بر روی آن قرار دهند، نتیجه خوبی در پی خواهد داشت (همان: ۴۲۶-۴۲۷).

چربی بردن از ادیم^۱: اگر چربی یا روغن چراغ بر پوست ادیم بریزد، آهک و نمک خشک را به هم می‌سایند و بر روی ادیم پراکنده می‌کنند و سپس با دست همین دارو را بر روی آن می‌مالند تا پاک شود. پاک کردن دیگر انواع پوست از چربی و روغن به همین شیوه است که یاد شد (همان: ۴۲۷).

رنگ میوه‌ها بردن از جامه: اگر رنگ پوست انار به جامه برسد، مقداری صمغ عربی و شُب یمانی را می‌کوبند تا کاملاً خرد شود و هر دو را در آب می‌جوشانند و یک کف دست اشنان بدان اضافه می‌کنند. پس از آن ابتدا جامه را خیس کرده و سپس با ترکیب یاد شده خوب می‌مالند و در نهایت با صابون می‌شویند و یا آنکه بوره و گُمیز^۲ خر را با هم آمیخته می‌کنند و بر جامه رنگی شده می‌مالند و سپس با صابون می‌شویند. اگر جامه به آب انار آغشته شود، جامه را با اشنان و صمغ عربی کوفته شده می‌مالند و سپس می‌شویند (همانجا).

و اگر جامه به آب انگور آغشته شود با سرکه و صابون آن را باید شست و اگر جامه به سیک^۳ آغشته شود سرگین شتر را با آب فرغار^۴ می‌کنند و بر روی آن می‌مالند و سپس با آهک و صابون آن را می‌شویند (همانجا).

اگر جامه به آب شفتالو آغشته شود، دوغ ترش در آن می‌مالند و سپس با آرد جو و آب گرم آن را می‌شویند (همان: ۴۲۸).

اگر جامه به آب انجیر آغشته شود، به آب گرم و آرد جو و صابون آن را می‌شویند (همانجا). اگر جامه به آب پوست گوز آغشته شود، ابتدا با دوغ ترش و پس از آن با آب گرم و صابون آن را می‌شویند (همانجا).

اگر جامه را با آب خرنوب^۵ آغشته کنند با آب غوره آن را می‌مالند و سپس با صابون می‌شویند. در غیر این صورت با گوگرد آن را دود می‌دهند و سپس با صابون می‌شویند (همانجا).

اگر جامه به آب آلو آغشته شود، ابتدا با سرکه و اشنان و سپس با آب گرم و صابون آن را می‌شویند (همانجا).

۱. پوست خوشبوی سرخ رنگ، پوست دباغی شده، چرم.

۲. ادرار

۳. نوعی از شراب

۴. خیس کردن

۵. درختی با شاخه‌های گره‌دار، برگ‌های مرکب، گل‌های زرد خوشه‌ای و میوه غلاف‌دار بلند، شیرین و شبیه باقالا.

اگر جامه به **زردآلو** آغشته شود، با ناردان آن را می شویند و سپس با گوگرد دود می دهند و در نهایت با صابون و آب گرم آن را می شویند (همانجا).

و هر میوه ای که جامه بدان آغشته شود اگر آن جامه را با اشنان بشویند و با گوگرد دود دهند و با صابون و آب گرم بشویند پاک خواهد شد (همانجا).

اگر جامه به **آب خرما** آغشته شود آهک را به کمیز خر می آمیزند و روی آن می اندازند و پس از آن با صابون می شویند (همانجا).

اگر جامه به **آب گوز** تر آغشته شود با اشنان پخته و قلیه^۱ آن را شسته و پس از آن با آب گرم و صابون می شویند (همانجا).

اگر جامه به **خُلُق**^۲ آغشته شود انجیر خشک را در آب می جوشانند و با آب جوشیده شده موضع آغشته به خلوق را می شویند و سپس با صابون و آب گرم می شویند تا پاک شود (همانجا).

اگر به **آب باقلی** آغشته شود، کنجد و ستر را به خوبی نرم می کنند و بر روی جامه می مالند و بعد از آن با آب گرم و صابون می شویند (همان: ۴۲۹).

چربی بردن از جامه هایی که هرگز نمی توان آن ها را شست: اگر شخصی بخواهد بدون شستن چربی را از جامه برد باید نمک کوبیده شده را بر جامه بپاشد و شیء سنگینی روی آن قرار دهد و اگر گل نیشابوری و نمک را خرد و با هم ترکیب کند و بر روی قسمت آغشته به چربی بپاشد و شیء سنگینی روی آن قرار دهد همه چربی را از جامه بیرون می کشد و اگر گل اسپاهانی^۳ را به خوبی خرد کند و بکوبد و بپزد و همان طور که گفته شد بر روی لباس آغشته به چربی بپاشد و سنگ سنگینی بر روی آن قرار دهد، چربی از جامه بیرون کشیده می شود و دیگر به شستن نیاز نیست (همان: ۴۲۹).



بازخوانی متنی از قرن
ششم هجری در صنعت
شستوشو و لکه زدایی
از پارچه

۱. احتمالا منظور قلیا (قلی، قلی الصباغین) است . درخراسان شخار و در گیلان و شیراز قلیا و به هندی سچی و ساجی و در کابل اشغار نامیده می شود و آن ماده ای است که از اشنان سوخته به دست می آید.

۲. ماده ای خوش بو که بیشتر اجزای آن از زعفران است.

۳. گل اصفهانی.

نتیجه‌گیری

چنانکه پیشتر اشاره شد صنعت تولید پارچه و پوشاک از جایگاه ویژه‌ای در تاریخ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، فرهنگی و هنر ملل مختلف از جمله ایرانیان برخوردار بوده است. به همین جهت صنعت یاد شده مورد توجه مورخان، جغرافی‌نویسان، سیاحان و دیگر اهالی دانش نظیر پزشکان قرار گرفته و بررسی ابعاد مختلف آن به متون و تألیفات ایشان راه یافته است. با وجود این، چگونگی نگهداری و صنعت شست‌وشو و لکه‌زدایی از پارچه و پوشاک مختلف از جمله مباحثی است که کمتر مورد توجه اهل فن و قلم قرار گرفته است و جز اشاراتی کوتاه در لابه‌لای متون متفرقه و معدود متون تخصصی که به اختصار بدین موضوع پرداخته‌اند، نمی‌توان نشانی برای آن یافت. از این رو فصل نوزدهم از رساله «بیان الصناعات» حبیب بن ابراهیم بن محمد تفلیسی تحت عنوان «اندر شستن قصب و برداشتن نشان از جامه‌ها» که در پژوهش حاضر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت، از جنبه‌های گوناگون حائز اهمیت است.

این بخش از تألیف تفلیسی از معدود منابع و نوشته‌های موجود در تاریخ اسلام و ایران است که به صورت تخصصی صنعت شست‌وشو و لکه‌زدایی از پارچه و پوشاک مختلف را مورد توجه قرار داده است. عنوان اثر، غرض مؤلف از نگارش و بیان ساده و قابل فهم کتاب نشان می‌دهد که برای توده مردم نوشته شده است. با مطالعه این باب از رساله ضمن آشنایی با انواع شوینده‌های پارچه و پوشاک و همچنین شیوه‌های شست‌وشو در قرون گذشته می‌توان با اصطلاحات و واژگان نادر پارسی در صنعت یاد شده آشنا شد که پیش از آن کمتر به کار گرفته شده است. از این رو می‌توان تألیف تفلیسی را از نظر تاریخ ادبیات نیز قابل توجه دانست. مهم‌تر آنکه نگارش کتاب به زبان پارسی پس از قرن‌ها انزوای این زبان به عنوان زبان علم در ایران، حائز اهمیت است.

همچنین مطالعه دیباچه بیان الصناعات و بررسی محتوا نشان می‌دهد که مطالب باب مذکور همچون دیگر آثار تفلیسی نظیر کفایه الطب و تقویم‌الادویه بیشتر برگرفته از اقوال، آرا و آثار دانشمندان و حکمای پیش از تفلیسی است که با معلومات شخص وی درآمیخته است. بنابراین می‌توان گفت اثر تفلیسی به نوعی حاصل و حافظ آرا و متون دانشمندان ملل مختلف پیش از او در زمینه صنعت شست‌وشو و لکه‌زدایی از پارچه و پوشاک بوده که ممکن است امروزه در دست نباشند و از این جهت بسیار ارزشمند است.

در نهایت از آنجا که تفلیسی خود تأکید می‌کند بسیاری از مطالب کتاب را به صورت عملی مورد آزمایش قرار نداده است، پژوهشگران حوزه مواد، شیمی، تاریخ علم و باستان‌شناسی تجربی می‌توانند با انجام آزمایشات، شوینده‌ها و شیوه‌های شست‌وشو ی معرفی شده از سوی مؤلف را راستی‌آزمایی کرده و نتایج حاصل از آن را قالب پژوهش‌های علمی در حوزه مواد و صنایع مرتبط با لباس و پوشاک ارائه دهند.



منابع

- ابن بسام، محمد بن احمد (بی تا)، نه‌ایه الرتبة فی طلب الحسبة، بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۳۷). مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. جلد دوم. تهران. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن سعید التمیمی، ابی عبدالله محمد بن احمد (۱۴۳۵ق) طبیب العروس و ریحان النفوس فی صنایع العطور، تحقیق و دراسته، لطف الله قاری، قاهره: دارالکتب والوثائق القومیه.
- ابن سُوید، ابواسحاق عزالدین ابراهیم بن محمد (بی تا)، التذکره المفیده و الذخیره الحمیده، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت ۲۳۲۹۵.
- ابن الجزار، ابوجعفر احمد (۲۰۰۷م)، کتاب فی فنون الطب و العطر، تحقیق راضی الجازی و فاروق العسلی، وزاره الثقافه و المحافظه علی التراث المجمع التونسی للعلوم و الآداب و الفنون (بیت الحکمه)
- ابن فضلان، احمد (۱۳۵۵)، سفرنامه ابن فضلان، ترجمه ابوالفضل طباطبائی، تهران: انتشارات شرق.
- تفلیسی، حبیب بن ابراهیم (۱۳۳۶)، بیان الصناعات، به کوشش ایرج افشار، نشریه فرهنگ ایران زمین، شماره پنجم، صص ۴۵۸-۲۷۸.
- ثعالبی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل (۱۳۶۸)، لطائف المعارف، ترجمه و نگارش علی اکبر شهابی خراسانی، مشهد: آستان قدس رضوی
- جرجانی، سید اسماعیل (۱۳۸۲)، ذخیره خوارزمشاهی (کتاب سوم)، تصحیح و تحشیه: محمدرضا محرری. تهران: فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران.
- حکیم ابوعلی (۱۳۸۸)، خواص الاشیاء، ترجمه به زبان پارسی از محمد بن زکریا، به کوشش یوسف بیگ باباپور و کاوه عباسی، تهران: مجمع ذخائر اسلامی.
- رازی، فخرالدین (۱۳۸۲)، جامع العلوم (ستینی)، تصحیح سید علی آل داود، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشارو
- سقطی، محمد بن ابی محمد (۱۹۳۱)، فی آداب الحسبه، باریس: Librairie Ernest Leroux.
- شمیری، سالم بن طعمه بن مطر (۱۴۱۶ق)، بذل النصائح الشرعیة فیما علی السلطان و ولاء الأمور و سائر الرعیه للامام العلامة محب الدین ابی حامد محمد بن احمد المقدسی الشافعی. درجه الماجستير، جامعه الإمام محمد بن سعود الإسلامیه.
- طبری، علی بن سهل (۱۴۲۳ق)، فردوس الحکمه فی الطب، بیروت لبنان، دارالکتب العلمیه
- عمادالدین شیرازی، محمود بن مسعود، قلع الآثار، نسخه خطی، کتابخانه دانشگاه تهران، شماره بازیابی نسخه، ۸/۸۲۴۶
- اکرم، فیلیس، (۱۳۶۱) نساجی ایران، بافته‌های دوره نخستین اسلام و زمان سلجوقیان، ترجمه زرین دخت صابر شیخ، وزارت صنایع، سازمان صنایع دستی ایران
- کندی، یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۶ق)، رساله فی قلع الآثار من الثیاب و غیرها، دراسته و تحقیق، محمد عیسی صالحیه، معهد المخطوطات العربیة جمادی الاول و شوال ۱۴۰۶ - العدد ۶۴ و ۶۵ - صص ۸۳ تا ۱۱۲.



بازخوانی متنی از قرن
ششم هجری در صنعت
شستوشو و لکه‌زدایی
از پارچه